

خلق و خوی پیامبر عظیم

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَأَلِهِ وَسَلَّمَ



فرهنگ

اکبرمظفری

اشاره:

خلق و خوی پیامبر اسلام ﷺ در یابی بی‌ساحل و دست‌نیافتنی است. از این رو مذاقه دربارہ آن، فرصتی فراخ و تحقیقی جامع می‌طلبد. لذا ما در این مقال تنها به شمه‌ای از آن می‌پردازیم.

رسول گرامی اسلام (ص) واجد همه صفات پسندیده و فضیلت‌های متعالی است، لذا خدای متعال از ایشان به عنوان اسوه و الگو یاد می‌کند و مسلمانان را به پیروی و تبعیت از حضرتش فرا خوانده و می‌فرماید: «در شخصیت رسول خدا (ص) الگوی نیکو برای شما وجود دارد»^۱

همچنین امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «پس به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتدا کن که راه و رسم او الگویی است برای الگوطلبان و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد و محبوب‌ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند و گام بر جایگاه قدم او نهد»^۲

بدون تردید رسول خدا ﷺ در ساحت‌های مختلف، سرمشق و مقتدا می‌باشد، آن چه این نوشته متکفل پرداختن به آن می‌باشد، خلق و خوی اجتماعی و رفتاری پیامبر (ص) است. سیره اجتماعی پیامبر (ص) سرشار از مضامین عالی اخلاقی و مملو از نکات آموزنده است، به همین دلیل علمای بزرگ، کتاب‌های مبسوطی در باره آن به رشته تحریر درآورده و آثار ارزشمندی را خلق کرده‌اند، گرچه با این همه هرگز نتوانسته‌اند، از عهده ادای حق آن برآیند. با این وصف ما نیز در این مجال کوتاه، ناچار به گزینش و ارائه تنها شمه‌ای از سیره اجتماعی پیامبر اسلام (ص) هستیم.





رسول اسلام (ص)
تربیت شده خدا بود، از این رو خلق و خوبی الهی داشت، او تجسم عینی و محسوس همه فضیلت‌ها به شمار می‌رفت و به همین اعتبار الگویی جامع و کامل است. بدون تردید در وصف پیامبر اعظم (ص) هر چه بگوئیم، قادر نخواهیم بود که کمی از بسیار آن را ادا کنیم.

۱- آراستگی: نظافت و آراستگی در

نزد رسول خدا (ص) از اهمیت بسزایی برخوردار بود، ایشان اغلب لباس سفید و همیشه پاکیزه می‌پوشید و مسلمانان را به پوشیدن آن سفارش می‌کرد. ژولیدگی را ناخوش می‌داشت و بر نمایاندن نعمت‌های الهی تأکید می‌ورزید. چنان‌که «روزی مسلمانی با لباس نامرتب و ژولیده به محضر پیامبر اکرم (ص) آمد، پیامبر (ص) به او فرمود: آیا ثروت نداری؟ او گفت: آری، خداوند همه گونه ثروت را به من داده است. پیامبر (ص) فرمود: اگر دارای ثروت هستی، پس باید اثر آن در تو دیده شود» (یعنی لباس تمیز، زیبا و خوبی داشته باشی، نه لباس کثیف و مندرس).^۳ رسول خدا (ص) موهایش را روغن مالی می‌کرد و تا نرمه گوش بلند می‌نمود، چشمان سیاه و درشتش را سرمه می‌زد و همیشه عطر آگین بود، به گونه‌ای که امام صادق (ع) می‌فرماید: «پیامبر اکرم مقداری که برای تهیه بوی خوش و عطر خرج می‌کردند، بیش از آن بود که برای تهیه نان خرج می‌کردند»^۴ شکوفه‌های لبخندهای مستمر رسول خدا (ص) زیبایی گل چهره‌اش را دو چندان می‌کرد و دندان‌های همیشه سفیدش بر صفای صورتش افزود. او به راستی آراسته‌ترین و در عین حال ساده زیست‌ترین مرد روزگار خود بود.

۲- شوخ طبعی: رسول خدا (ص) شوخ طبع و خوش مزاج بود. چنان‌که یونس شببانی به نقل از امام صادق (ع) می‌گوید: «رسول خدا (ص) هر گاه می‌خواست کسی را شاد کند، با او شوخی می‌کرد»^۵ شوخی‌های بسیاری از حضرت ایشان نقل شده است که به دو نمونه از آنها اشاره می‌کنیم. «زنی به نام ام یمن خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید و عرض کرد: شوهرم با شما کاری دارد، حضرت فرمود: شوهر تو همان مردی است که در چشمش سفیدی دارد؟ (ام‌یمن گمان کرد منظور حضرت از سفیدی، بیماری سفیدی چشم است که به آب سفید مشهور است) لذا پاسخ داد: نه به خدا، در چشمش سفیدی نیست، دوباره حضرت فرمود: ولی در چشمش سفیدی است. گفت: نه به خدا، آنگاه پیامبر (ص) فرمود: هیچ کس نیست مگر این که در چشمش عضو سفیدی است که حدقه را احاطه کرده است»^۶ همچنین «روزی پیامبر (ص) و علی (ع) خرما می‌خوردند. پیامبر (ص) از هسته‌های خرماهایی که می‌خورد، پیش روی علی (ع) می‌نهاد. وقتی که از خوردن خرما فارغ شدند، همه هسته‌ها در نزد علی (ع) جمع شده بود. پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: ای علی! تو پرخور هستی. علی (ع) در پاسخ از روی مزاح عرض کرد: پرخور کسی است که خرما را با هسته‌اش می‌خورد»^۷

رسول خدا (ص) در مزاح‌های خود جز حق نمی‌گفت و نمی‌شنید، او دارای طبع لطیف، خوش مشرب و با نشاط بود و مؤمنان اندوهگین را با شوخی‌های خود شاد می‌کرد.

۳- بازی با کودکان: رسول خدا (ص) محبت ویژه‌ای به کودکان داشت، با آنها هم‌بازی و هم کلام می‌شد و آنها را با روی گشاده در آغوش محبت خود می‌گرفت. سعید بن ابن راشد به نقل از ابی‌علی عامری می‌گوید: «وی برای رفتن به ضیافتی که رسول خدا (ص) را به آن دعوت کرده بودند، با آن حضرت همراه شد. رسول خدا (ص) پیشاپیش مردم به راه افتاد. وحسین (ع) با بچه‌ها مشغول بازی بود. رسول خدا (ص) خواست او را بگیرد اما طفل، این طرف و آن طرف می‌دوید. پیامبر (ص) شروع به خندیدن و شوخی کردن با او کرد تا این که حسین (ع) را گرفت و یک دستش را پشت گردن و دست دیگرش را زیر چانه او گذاشت و دهان

او را می‌بوسید و فرمود: حسین از من است و من از حسین»^۸

در مورد دیگری صحابی گرانقدر رسول خدا (ص) جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: «بر پیامبر (ص) وارد شدم در حالی که حسن و حسین (ع) را پشت خود سوار کرده بود و چهار دست و پا راه می‌رفت می‌فرمود: شتر شما چه شتر خوبی است و شما چه سواران خوبی هستید»^۹

۴- برخورد با مردم: قرآن کریم در باره رسول خدا (ص) می‌فرماید: «ای پیامبر! به (برکت) رحمت الهی در برابر مردم نرم و مهربان شدی»^{۱۰} تجلی تربیت الهی در شیوه برخورد‌های پیامبر (ص) با مردم به وضوح محسوس بود، او شخصیتی فروتن، خوش سخن و خوش رو بود و با مردم با محبت و مهربانی رفتار می‌کرد. معمولاً درخواست‌های مردم را اجابت می‌کرد و در صورت عدم توانایی و تمایل در مقابل درخواست‌ها سکوت می‌نمود. او روحی بزرگ و بزرگوار داشت. «نقل شده که عربی بیابان نشین، گاه‌گاهی به حضور پیامبر اکرم (ص) می‌رسید و برای آن حضرت هدیه‌ای می‌آورد، ولی در همان مجلس بهای هدیه‌اش را از پیامبر درخواست می‌کرد. این جریان موجب خنده پیامبر می‌شد، لذا هر گاه آن حضرت محزون می‌گشت، می‌فرمود: کاش آن عرب بادیه نشین پیش ما بیاید»^{۱۱}

همچنین انس بن مالک می‌گوید: «من با رسول خدا (ص) می‌رفتم و حضرت بردی نجرانی با حاشیه‌های زبر و درشت برتن داشت. عربی بادیه نشین از راه رسید و ردای ایشان را محکم کشید. من به گردن پیامبر (ص) نگاه کردم، دیدم حاشیه ردا از شدت کشیدن روی گردن حضرت رد انداخته است. آن بادیه نشین سپس گفت: ای محمد ﷺ، دستور بده از مال خدا که نزد توست به من بدهند. پیامبر (ص) به طرف او برگشت و خنده‌ای کرد و سپس دستور داد به او چیزی عطا کنند»^{۱۲}

همه‌مان نواز: پیامبر خدا (ص) مهمان دوست و مهمان نواز بود تا جایی که از مهمان به عنوان راهنمای بهشت یاد می‌کرد و می‌فرمود: «هر خانه‌ای که مهمانی وارد آن نشود، فرشتگان وارد آن خانه نمی‌گردند»^{۱۳} او متقابلاً به دعوت مسلمانان حتی بندگان لیبیک می‌گفت و هیچ غذایی را کم نمی‌شمرد. رسول خدا (ص) خودش از مهمانان پذیرایی می‌کرد. چنان‌که در تاریخ آمده است: «هنگاهی که کاروان فرستادگان نجاشی در مدینه به محضر رسول خدا (ص) وارد شدند، آن حضرت برخواست و خودش به آنان خدمت کرد»^{۱۴} همچنین نقل شده است که «در یکی از جبهه‌های جنگ، پیامبر (ص) مشغول نماز بود. گروهی مسافر از کنار اردوگاه آن حضرت عبور کردند و با اصحاب پیامبر

(ص) ملاقات نموده احوال پیامبر (ص) را از آنان پرسیدند. آنان برای پیامبر (ص) دعا کردند و او را ستودند. سپس از آن جا گذاشتند. پیامبر (ص) بعد از نماز و آگاهی از ماجرا، در حالی که خشمگین بود، به اصحاب اعتراض کرده، فرمود: سوارانی به این جا می آیند و سلام خود را به من می رسانند و جویای حال من می شوند، ولی شما آنان را به مهمانی دعوت نمی کنید؟»^{۱۵}

۶. عفو و گذشت: در سال ششم هجرت قراردادی ده ساله میان سران قریش و پیامبر اسلام منعقد شد، این قرارداد که به پیمان حدیبیه شهرت یافت، صلح و آرامشی پایدار را به ارمغان آورد. اما این آرامش بیش از دو سال به طول نینجامید و با حمله شیبانه گروهی از جنگجویان قریش به قبیله خزاعه که هم پیمان مسلمانان بودند، قرارداد صلح حدیبیه عملاً نقض گردید. پس از پیمان شکنی قریش، رسول خدا (ص) تصمیم گرفت درهای مکه را که تنها پایگاه بت پرستی بود، به روی خداپرستان باز کند و خانه خدا را از دست مشرکان آزاد نماید. از این رو اعلام بسیج عمومی کرد و به زودی سپاهی نیرومند و مجهز را در مدینه مجتمع نمود و در روز دهم ماه رمضان سال هشتم هجرت مدینه را به سوی مکه ترک کرد. لشکر عظیم پیامبر اسلام (ص) در کرانه های مکه اردو زدند و به دستور پیامبر (ص) با افروختن آتش در نقاط مرتفع و ایجاد وحشت، روحیه دفاعی قریش را تحلیل بردند و بدین وسیله مقدمه فتح بدون خونریزی مکه را فراهم کردند. مکه بدون مقاومت تسلیم مردان تا دندان مسلح سپاه اسلام شد و بدین وسیله بزرگترین دژ کفر و بت پرستی فرو ریخت و خدایانش به دست نبی خدا (ص) از پای درآمد. اکنون پیامبر (ص) بر مردمی که او را به ظلم و بیداد دیوانه خوانده، در دره ابوطالب محاصره کرده، به انواع شکنجه ها آزرده، نقشه قتلش را کشیده، از شهر خود بیرون رانده، آتش جنگها علیه او افروخته و عموها و یارانش را به شهادت رسانده بودند، پیروز شده بود و انتظار طبیعی این بود که انتقام بگیرد، اما او که رحمتللعالمین بود، در برابر فکر انتقام که افکار عمومی را به التهاب در آورده بود، فرمود: «چه می گوئید و در باره من چگونه فکر می کنید، مردم بهت زده و حیران و بیمناک همگی با صدای لرزان و شکسته روی سوابق عواطف بزرگی که از پیامبر (ص) داشتند، گفتند: ما جز خوبی و نیکی چیزی درباره تونمی اندیشیم، تو را برادر بزرگوار خویش و فرزند برادر بزرگوار خود می دانیم پیامبر (ص) که بالطبع رؤف و مهربان و باگذشت بود وقتی با جمله های عاطفی و تحریک آمیز آنان روبرو گردید، چنین گفت: من نیز همان جمله ای را که برادرم یوسف به برادران ستمگر خود گفت، به شما

می گویم، امروز بر شما ملامتی نیست، خدا گناهان شما را می آمرزد، او ارحم الراحمین است... بروید دنبال زندگی خود، همه شماها آزادید.»^{۱۶}

پیامبر خدا (ص) انتقام نگرفت و اجازه انتقام گرفتن نداد، بلکه با اعلام عفو عمومی چون بارانی بر دل تفتیده و وحشت زده مردم مکه باریدن گرفت و آنها را به رویشی دوباره در پرتو اسلام واداشت. رویشی که دل و جان مردم جزیره العرب را از نو بنیان نهاد و هویتی جدید و سرشار از فضیلت های الهی - انسانی به آنها بخشید. پیامبر اسلام (ص) اسوه عفو و الگوی گذشت بود، به گونه ای که امام صادق (ع) در تبیین نمونه ای از این خصلت پسندیده حضرت ایشان می فرماید: «در جنگ ذات الرقاع، رسول خدا (ص) در کنار وادی زبیر درختی فرود آمد، در همین هنگام سیلی آمد و میان آن حضرت و یارانش که در آن طرف وادی منتظر بند آمدن سیل بودند، فاصله انداخت. مردی از مشرکان متوجه پیامبر (ص) شد و به هم زمان خود گفت: من محمد (ص) را می کشم و آمد و به روی پیامبر (ص) شمشیر کشید و گفت: ای محمد، کیست که تو را از دست من نجات دهد؟ پیامبر (ص) فرمود: آن که پروردگار من و توست. در این هنگام جبرئیل آن مرد را از اسبش پرت کرد و او به پشت روی زمین افتاد. رسول خدا (ص) برخاست و فرمود: ای غورث، کیست که تو را از دست من نجات دهد؟ عرض کرد: بخشندگی و آقایی تو ای محمد. پیامبر (ص) او را رها کرد. مرد از جا برخاست، در حالی که می گفت به خدا قسم که تو از من بهتر و آقاتری»^{۱۷}

عفو و گذشت به عنوان یک ارزش اسلامی در سیره رسول خدا (ص) از جایگاه ویژه ای برخوردار است، از این رو مسلمانان باید به تبع ایشان این خصلت پسندیده را در حیات اجتماعی و سیاسی خویش زنده نمایند تا علاوه بر شیرینی زندگی جمعی، بر قدرت و اقتدار خود نیز بیفزایند. امروز عفو و گذشت، صبوری و بردباری در سطح نخبگان و مردم، جدی ترین نیاز جامعه ماست، از این رو باید با نگاه راهبردی به این موضوع نگریست و از آن برای نزدیکی دلها به هم و ایجاد وحدت سود جست، و الا شب تاریک، بیم موج و گردابی چنین حایل در پیش است.

رسول اسلام (ص) تربیت شده خدا بود، از این رو خلق و خویی الهی داشت، او تجسم عینی و محسوس همه فضیلتها به شمار می رفت و به همین اعتبار الگویی جامع و کامل است. بدون تردید در وصف پیامبر اعظم (ص) هر چه بگوئیم، قادر نخواهیم بود که کمی از بسیار آن را ادا کنیم، از این رو این نوشته را با سه بیت از حکیم نظامی گنجه ای در نعت رسول خدا (ص) پایان می دهیم:

ای تن تو پاکتر از جان پاک
روح تو پرورده روحی فداک
نقطه که خانه رحمت تویی
خانه بر نقطه زحمت تویی
راهروان عربی را تو ماه
یاوگیان عجمی را تو ماه^{۱۸}

پی نوشت ها:

۱. سوره احزاب، آیه ۲۱.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (ره)، خطبه ۱۶۰، ص ۳۰۱.
۳. آموزه های اخلاقی - رفتاری امامان شیعه، محمد تقی عبدلوس و محمد محمدی اشتهاردی، ص ۲۲۴ - ۲۲۳.
۴. آداب اسلامی، ج ۲، ص ۱۷۸.
۵. همان، ج ۱، ص ۱۵۱.
۶. همان، ج ۱، ص ۱۵۵.
۷. آموزه های اخلاقی - رفتاری امامان شیعه، همان، ص ۲۸۱.
۸. گزیده میزان الحکمه، ص ۶۳، ح ۴۹۳.
۹. بحار الانوار، علامه مجلسی (ره)، ج ۴۳، ص ۲۸۵.
۱۰. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.
۱۱. آداب اسلامی، ج ۱، ص ۱۵۵.
۱۲. میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۱۹۳، ح ۱۹۹۴۴.
۱۳. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۶۰.
۱۴. آموزه های اخلاقی - رفتاری امامان شیعه، همان، ص ۱۵۶.
۱۵. همان، ص ۱۶۰.
۱۶. فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، استاد جعفر سبحانی، ص ۴۴۸ - ۴۴۹.
۱۷. میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج ۱۳، ص ۱۹۹، ح ۱۹۹۶۸.
۱۸. دیوان نظامی گنجه ای، چاپ انتشارات امیر کبیر، ص ۲۱.

